

ریخت‌شناسی و عناصر زینتی عرفانی اشعار امیر خسرو دهلوی

نرگس یدی*

دکتر عباسعلی وفایی**

چکیده

امیر خسرو دهلوی به دلیل محل جغرافیایی زندگی‌اش که در خارج از ایران و در هندوستان بوده، آثارش آن سان که باید و شاید مورد توجه و بررسی قرار نگرفته و محققان در نقد‌های خود به ندرت به آن‌ها اشاره کرده‌اند و در هند نیز محققان، اکثراً آثار هندی زبان شاعر را بررسی کرده‌اند؛ در حالی که امیر خسرو دهلوی یکی از شاخص‌های مهم دو ادبیات عظیم مشرق زمین، یعنی فارسی و هندی محسوب می‌شود و آثارش مفاهیم کلیدی ادبیات کلاسیک فارسی را در بر دارد. با توجه به نقش امیر خسرو و اشعار او در گسترش ادبیات فارسی، بررسی آثارش بسیار مهم به نظر می‌رسد. در این پژوهش آثار امیر خسرو از نظر شکل و ظاهر و همچنین از نظر درونمایه و محتوی مورد بررسی دقیق قرار گرفته‌اند و ویژگی‌های اشعار او با نگاهی به آرایه‌های ادبی (که بیشتر از تشبیه و کنایه استفاده کرده است)، بدیع و بیان و سیستم متریکی (عروض) و قافیه و ردیف، در ترازوی نقد قرار گرفته و شیوه خاص او به نمایش گذاشته شده است.

واژه‌های کلیدی

شکل، درونمایه، فارسی، هندی، امیرخسرو

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساوه، ساوه، ایران.

** دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، گروه زبان و ادبیات فارسی، تهران، ایران.

زبان و ادبیات فارسی هند که پیدایش آن با هجوم مسلمانان به سرزمین هند و تأیید زبان فارسی به عنوان زبان رسمی هند به وجود آمد، نه قرن در عرصه ادبی شمال هند شکوفه می‌داد. این ادبیات که از لحاظ زبان و محتوا برای اکثر هندیان نامفهوم بود، در آغاز چندان مورد بررسی منقدان هندی قرار نمی‌گرفت، در حالی که ایران‌شناسان آن را «جعل و تقلیدی از آثار اصیل شیراز و اصفهان»^۱ می‌دانستند. به همین خاطر، آثار یکی از بهترین نمایندگان این ادبیات، یعنی امیرخسرو دهلوی (۶۵۱ - ۷۲۵)، بسیار دیر مورد توجه، بررسی و علاقه محققان قرار گرفت. در ایران نیز آثار این شاعر خوب تا مدت‌ها بررسی نشده بود، چون از نظر جغرافیایی، امیرخسرو شاعر سرزمین هندوستان محسوب می‌شد. شاید به همین دلیل است که هنوز هم با گذشت سال‌ها و آشکار شدن اهمیت او، انتشار دیوان (مجموعه آثار) امیرخسرو در ایران خیلی محدود بوده است. در ایران برای اولین بار دیوان او در سال ۱۹۸۳ (۱۳۶۲) و بعداً فقط در سال ۲۰۰۲ (۱۳۸۰) به چاپ رسیده است.

محققان هندی (س.آخ، پ. پانچال، ب. تیواری) اکثر آثار هندی زبان شاعر را بررسی کرده‌اند و در نقدهای خود به ندرت به اشعار پارسی زبان او اشاره می‌کنند. (مثلاً تحقیق دکتر چندر شیکهر و م. شبللی نعمانی). در میان آثار شرق‌شناسان و ایران‌شناسان، آثار امیرخسرو دهلوی منطبق با روند ادبی قرون وسطی بررسی می‌شود. (رک: گ. آلیف، ن. گلبوف، آ. کریمسکی، یا. ریپکا) یا در زمره پژوهش‌های سبک هندی در ادبیات فارسی ذکر می‌شود. (در کارهای آ. بلدیرف، ن. پریگارین، س. شمیسلا). برخی از بُعدهای آثار هنری امیرخسرو دهلوی در کارهای تحقیقی ا. برتلس (مقایسهٔ خمسهٔ امیرخسرو دهلوی با خمسهٔ نظامی)، آ. ستاریکوا (پذیرش نفوذ هندی در مثنوی «هشت بهشت»)، گ. تویچیوا (سیستم متریکی غزلیات امیرخسرو)، آ. شاماتاوا (پرسش از اصالت آثار هندی زبان شاعر) مورد بررسی قرار گرفته‌اند. اما دیوان امیرخسرو دهلوی توسط اینان نیز به طور کامل و جدی مورد بررسی و تحقیق قرار نگرفته است.

امیرخسرو دهلوی یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها در دو ادبیات عظیم مشرق، یعنی فارسی و هندی محسوب می‌شود. عواملی که علاقه ما را به آثار امیرخسرو بیشتر می‌کنند، عبارتند از:

- دو زبانی بودن شاعر؛
 - سهم او در توسعهٔ غزل به عنوان یک نوع ادبی؛
 - ایجاد غنا در انواع ادبی فارسی با محتوا و زبان هندی (غزلیات «رنگین»، اشعار «ماکارونیک»)؛^۲
 - بنیان‌گذاری اشعار «نظیر» که بعدها سرودن آن در ادبیات کشورهای آسیای میانه و صغیر گسترش پیدا کرد؛
 - توسعهٔ موضوعات نظم فارسی.
- با توجه به نقش امیرخسرو دهلوی در گسترش ادبیات فارسی و اشعار او به زبان هندی، بررسی آثار او مهم به نظر می‌رسد.

وقتی اشعار امیرخسرو دهلوی را از لحاظ روش و ویژهٔ شاعر بررسی می‌کنیم، باید مفاهیم کلیدی ادبیات کلاسیک عربی - پارسی را در نظر بگیریم. از جملهٔ این مفاهیم، آرایه‌های ادبی (بدیع)، تئوری سیستم متریکی (عروض) و قافیه هستند. سیستم تصویرآفرینی شاعر، بخش جدانشدنی سبک ایده‌ای^۳ او به شمار می‌رود. محققان و شرق‌شناسانی که رسالات قرون وسطایی و اشعار عربی - پارسی را ترجمه و شرح کرده‌اند، عبارتند از: آ.

۱ - Mirza W. M. *The Life and Works of Amir Khusrau / Wahid Mirza*. - Delhi, 1974. - P. i.

۲ - به زبان ایتالیایی macaronismo - نوعی شعر که در آن طنز چند تا زبان مختلف مخلوط شده‌اند.

۳- Ideostyle

برتلس، ای. کراچکوفسکی، ر. موسولمانکولوف، م. ریسینر، ن. چالیساوا. فنون شاعری امیرخسرو دهلوی را پ. گرینتسیر، آ. کودلین، د. لیخاچوف، ب. شیدفار بیش از دیگران توضیح داده‌اند. در پژوهش‌های س. زامانیان، د. فرولوف، ن. خانلری نیز می‌توان تحلیل بعضی از بُعدهای فنون شاعری امیرخسرو را پیدا کرد.

غزلیات امیرخسرو دهلوی، مطابق با اصولی که در رسالات عربی — پارسی قرون وسطی آمده‌اند، تحت تأثیر صوفیسم که یکی از عوامل گسترش ادبیات کلاسیک پارسی است، سروده شده‌اند. اصول نظم عربی که بعداً وارد ادبیات پارسی شدند، در قرن نهم میلادی شکل گرفتند. توسعه این اصول به دو جهت موازی — قرآنی بر پایه تفسیر قرآن و حدیث (الرومانی، الجرجانی) و ادبی — انتقادی (العسکری، ابن‌رشیک، المواتض) بود. فنون شاعری پارسی در قرن یازدهم میلادی بر اساس عربی به وجود آمد. نویسندگان اولین رسالات به فارسی (رادویانی، وطواط) به آرایه‌های ادبی و شکل توجه می‌کردند. اما در تحقیق شمس قیس رازی (قرن سیزدهم میلادی) برای اولین بار هر سه بخش نظم کلاسیک دیده می‌شوند؛ آرایه‌های ادبی، سیستم متریکی و ردیف. محققان بعدی در کارهایشان تا حدودی پژوهش شمس قیس رازی را بازگویی کردند.

اگر بخواهیم راجع به آرایه‌های ادبی، بدیع و بیان مورد علاقه دهلوی صحبت کنیم، او بیشتر از تشبیه و کنایه استفاده می‌کرده است؛ مثلاً «ساقی خورشیدوش» (دهلوی، ۴۰۱: ۱۳۶۱) که در اینجا ساقی (مشبه) با خورشید (مشبه به) به وسیله حرف اضافی «وش» مرتبط می‌شود. اما معمولاً امیرخسرو حرف اضافه را به کار نمی‌برد، به همین خاطر به تشبیهات او «بلیغ» می‌گویند.

از آرایه‌های لفظی در اشعار دهلوی «جناس» کاربرد بسیاری دارد:

هندوان را مرده سوزند این چنین زنده مسوز بنده خسرو را که ترک است آخر او هندوی توست

(دهلوی، ص ۶۸)

با کمک ایهام کلمه «هندو»، که به جز «ساکن هندوستان»، معنی «غلام» و «برده» را هم دارد، شاعر راجع به اصلیت خود می‌گوید. (مادر او هندو و پدر او ترک بودند).

از لحاظ آرایه‌های معنوی، غزلیات امیرخسرو دهلوی سرشار از «مراعات نظیر»، «تلمیح» و «ایهام» است:

کشتی‌ام زان زلف و رخ کارایش آن را مدام شانه بر پشت تو و آینه بر زانوی توست

(همان: ۶۸)

معنی مراعات نظیر، کاربرد کلماتی از یک ردیف موضوعی و قراردعی آن‌ها به طور موازی در چارچوب یک بیت است. کلمات «زلف»، «رخ» از جزئیات ظاهر نگار، جفت موازی را با کلمات «آینه» و «شانه» از جزئیات لوازم آرایشی تشکیل می‌دهند.

استفاده بسیاری از آرایه‌های ادبی که بر اساس اصول موازی بودن (جناس، مراعات نظیر، ایهام و تشبیه) ساخته می‌شوند، به آثار امیرخسرو دهلوی عنوان «نمونه نظم کلاسیک خاورمیانه و آسیای صغیر» را اختصاص داده است، زیرا یکی از اصول این نوع از نظم، توازی تصاویر و تقارن ساختار ابیات است و هنر کاربرد جناس و ایهام، باعث زینت کلام شاعر هستند.

سیستم متریکی «عروض» جزء نوع نظم کوانتیتاتیک (بر اساس دراز و کوتاه بودن هجاها در شعر) است. سیستم متریکی «عروض علمی» بر اساس سیستم کلاسیک توسط محققان ایرانی توسعه داده شد. فرق اصلی عروض علمی با عروض پیشین در آن است که کوچک‌ترین واحد آن «هجا» است در حالی که در سیستم متریکی قرون وسطی کوچک‌ترین واحد «حرف» بوده است. برای تشخیص وزن بیت، خطوط عروضی آن کشیده می‌شود. وزن شعر دقیق و سنجیده است و باید با اختیارات

شاعری (اختیارات زبانی و اختیارات وزنی) مطابقت داشته باشد.

از لحاظ نوع قافیه، با تکرار «روی» که یکی از اصول سنتی فن شعر گفتن عربی — پارسی است، در اشعار دهلوی «ردف» و «وصل» هم فراوان است. مثلاً در غزل شماره ۲۱۷ (همان: ۷۹) کلمات «جانان»، «بستان»، «پنهان»، «خرامان»، «خندان»، «جانان»، «شکرستان» و «پریشان» قافیه هستند؛ که در آن حرف «ن» روی، و «الف» قبل از «ن»، «ردف اصلی» است. در غزل شماره ۱۸۶ (همان: ۶۸) کلمات «روی»، «بوی»، «پهلوی»، «زانوی»، «گیسوی»، «دلجوی»، «ابروی»، «موی» و «هندوی» قافیه هستند؛ که در آن حرف «و» روی، و «ی» وصل می‌باشند. هرچه تکرار عناصر قافیه در بیت‌های بعدی بیشتر باشد، قافیه قوی‌تر و مهارت شاعر غنی‌تر به شمار می‌رود.

معمولاً غزلیات امیرخسرو دهلوی دارای «ردیف» اند که قشنگی شعر را بیشتر، معنی اصلی را عمیق‌تر و بیت‌های پراکنده را بیشتر به هم وصل می‌کند.

باید افزود در آثار امیرخسرو سبک تصویری «صوفیانه» عراقی و سبک «زینتی» هندی با هم پیوند می‌یابند.

بررسی درون‌مایه اشعار امیرخسرو

در نتیجه تحلیل غزلیات امیرخسرو دهلوی که به زبان فارسی سروده شده‌اند، بر اساس عناصر تئوری فنون شعری عربی — پارسی، می‌توان آن‌ها را به چهار نوع تقسیم کرد:

۱ - عشقی و معنوی

۲ - معنوی و فلسفی

۳ - درباری و اجتماعی

۴ - واسوخت

هرکدام از این انواع، خاصیت‌ها و ویژگی‌های خود را دارد که آن‌ها را محققان روسی مشخص و بررسی کرده‌اند. در غزلیات عشقی — معنوی، آمیختن و در هم فرورفتن دو بُعد (عشقی و معنوی) دیده می‌شود، به طوری که مرزهای آن‌ها مشخص نیست. غزلیات امیرخسرو سرشار از سمبل‌های عشقی صوفیانه و وصف طبیعت با کاربرد لوازم و اصطلاحات می‌خواهی هستند. بعضی از غزلیات عشقی — معنوی او شامل بُعد شهوانی و هوسی هستند، با آن که در این نوع از اشعار، معشوق دارای رنگ و بویی خدایی است. بیت‌هایی که معنی‌کردن آن‌ها در خارج از چارچوب سنت‌های معنوی امکان‌پذیر نیست، توجه خواننده اشعار امیرخسرو را جلب می‌کنند:

ز عارض طره بالا کن که کار خلق در هم شد علم بر کش، که بر خوبانت سلطانی مسلم شد

(همان: ۱۳۶)

طره روی چهره در سنت ادبی صوفیانه سمبل عوامل جهان مادی است که مردم را از حقیقت دور می‌کند. شاعر معشوق خود را به انجام این کار تشویق می‌کند و این طور دلیل می‌آورد که: «کار مردم به هم خورد، چون از حقیقت بی‌خبر هستند». عبارت «در هم شدن»، که معنی اصلی آن «اضطراب داشتن» و «پریشانی» است، به سختی و غیر قابل انجام بودن کارها اشاره می‌کند. به این ترتیب این عبارت را می‌توان «کنایه» حساب کرد. همین آرایه بدیعی در مصراع دوم هم استفاده می‌شود: «علم بلند شده نشانه قدرت و قوت و در عین حال سمبل حق نگار برای تسلط بر عاشقان خود است.»

غزلیات عشقی — معنوی امیرخسرو با استفاده از کلمات کتابی، سبک عالی و عبارات تصویری بسیار سروده شده‌اند. آرایه‌های ادبی مثل «تشبیه»، «کنایه»، «استعاره مصرحه»، «ایهام» و هم‌چنین فنون بدیعی «جناس تام»، «تلمیح» و «مراعات نظیر»

در این نوع از غزلیات امیر خسرو بسیار است.

زبان امیرخسرو در غزلیات معنوی — فلسفی از لحاظ سمبلی و تصویری بودن، شبیه زبان غزلیات عشقی — معنوی است. ولی در این نوع غزلیات، عبارات مربوط به شراب‌خواری فراوان هستند. در غزلیات معنوی — فلسفی تصویر معشوق مشاهده نمی‌شود و موضوع عشقی خیلی ضعیف می‌گردد. در این جا به جای زجر و رنج عاشق، تفکرات فلسفی را می‌بینیم؛ قهرمان عاشق رنجور به پیر عاقل و پند دهنده تبدیل می‌شود:

چراغ عیش بر افروز از شراب که زود شود ز دست تو رغبت چو روغن بلسان

(همان: ۴۷۹)

شاعر خواننده را دعوت می‌کند برای قدردانی وقت و دقایق، و برای لذت بردن از هر لحظه زندگی زودگذر. ایده‌آل‌های هندوئیستی با این بیت معروف رودکی هماهنگ هستند:

شاد زی با سیاه چشمان شاد که جهان جهان نیست جز فسانه و باد

(صفا، ۱۳۷۱: ۳۸۵)

ویژگی اصلی غزلیاتی که ما جزء بخش اشعار درباری و اجتماعی حسابشان کردیم، خودداری احساسی و عدم روبه‌رویی «عاشق — معشوق» است که همین موضوع هم منجر به تثبیت و تغییرناپذیری تصاویر و موضوعات یکنواخت شده است. این نوع غزل، سنن شعر درباری قرون نهم و دهم را دنبال می‌کند، که ویژگی آن یکنواختی و الگوی ثابت تشبیه و استعارات است. عناصر صوفیانه که در این نوع غزل دیده می‌شوند، نقش زینتی، و نه معنایی، دارند.

غزلیات درباری، زیبایی ظاهر نگار را توصیف می‌کنند، نه استعداد و توانایی او را؛ یعنی برعکس آنچه که در غزلیات عشقی — معنوی هست. آن‌ها در سبک زینتی با استفاده از کلمات کمیاب و نادر سروده می‌شوند. کاربرد «تشبیه»، «استعاره»، «کنایه» و «ایهام» در این غزلیات بسیار است:

لعل لب به چاشنی از انگبین به است رشک رخت به نازکی از یاسمین به است

(دهلوی، همان: ۱۰۵)

طبق سنت، رنگ لب معشوق با لعل و طعم آن با شکر و عسل مقایسه می‌شوند. در چارچوب این سنت، شاعر معشوق را طوری توصیف می‌کند که او دارای لبان قرمز مثل لعل و شیرین، با چهره سپید و لطیف و اندام ظریف مثل سرو است. در مصراع اول دو تشبیه را می‌بینیم: لب از نظر رنگ با لعل (تشبیه بلیغ اضافی)، و از نظر شیرین بودن با عسل (تشبیه بلیغ اسنادی) مقایسه می‌شوند. لبان معشوق شیرین‌تر از طعم عسل است همان‌طور که رخ او ظریف‌تر از یاسمین است. به این ترتیب این بیت دارای «تشبیه تفضیلی» (تشبیه با برتری) است.

در غزلیاتی که در پژوهش‌های محققان کشورهای شوروی سابق «واسوخت» نام گرفته‌اند، عشق نماد بار سخت، عذاب و آزار است و عاشق تحت شکنجه این احساس قرار می‌گیرد؛ اما در روابط عاشق و معشوق، ظلم معشوق نسبت به عاشق، نقش کم‌رنگ‌تری دارد. فکر اصلی این نوع از غزلیات، تعریف بدبختی‌های زندگی معشوق است. ویژگی‌های غزلیات واسوختی عبارتند از: رئالیسم، بیان درد و اندوه، کاهش کاربرد آرایه‌های ادبی یا عدم استفاده از آن‌ها، استفاده از زبان ساده و نزدیک به زبان گفتاری. صنایع بدیعی مورد استفاده در این نوع از غزلیات شامل «کنایه»، «جناس تام»، «مجاز» و «تضاد» می‌باشند:

ای نسیم صبحدم یارم کجاست غم ز حد بگذشت غم‌خوارم کجاست

(همان: ۹۰)

در این بیت، احساس غم، اندوه و بیچارگی دیده می‌شود. بیان آن مختصر است و وزن بیت (رمل) کوتاه است که این در غزلیات امیرخسرو دهلوی کمیاب است. حداقل استفاده از آرایه‌های ادبی هم در این بیت مشاهده می‌شود. به این ترتیب می‌توان گفت این بیت نزدیک به بیت‌های واسوختی است هرچند از سختی‌های معشوق به روشنی سخن نگفته باشد.

آثار امیرخسرو دهلوی که نمونه سبک عراقی به شمار می‌رود، تحت نفوذ تصوف قرار دارد. اشعار او سرشار از سمبل‌ها و تصاویر می‌باشند. گرایش شاعر به این سبک ناشی از عضویت طولانی‌مدت امیرخسرو دهلوی در یکی از گروه‌های صوفی یعنی «چیشته» است. سه موضوع اصلی اشعار امیرخسرو که شامل سمبل‌های معنوی زبان شاعری او هستند، عبارتند از: موضوع عشق (که کلمات کلیدی آن، «محبّت»، «عشق»، «یار»، «بت» و... است و هم‌چنین ظاهر معشوق یعنی «زلف»، «لب»، «رخ» و غیره را توصیف می‌کند)؛

موضوع شراب‌خواری (که کلمات کلیدی آن شیشه و ظروف شراب، محل شراب‌خواری و شرکت‌کنندگان در این روند را وصف می‌کند: «باده»، «جام»، «ساقی»، «میخواره»، «خرابات» و غیره)؛

طبیعت (که کلمات کلیدی و سمبل‌های این موضوع شامل «بهار»، «بوستان»، «سرو»، «بُلبل» و غیره هستند).

در غزلیات پارسی‌زبان امیرخسرو دهلوی هم مثل نظم سبک عراقی پرستش معشوق همان پرستش خدا است. اما در آثار هندی‌زبان خود، شاعر از این الگو دور می‌شود و استاد روحانی خود (نظام‌الدین اولیاء) را پشت تصویر معشوق می‌گذارد. به این ترتیب امیرخسرو دهلوی خدا را در شکل استاد خود می‌پرستد:

من (خسرو) قربان تو می‌روم، نظام‌الدین!

من عروس تو شدم، فقط با یک نگاه به چشمانت

پشت تصویر زن زیبایی که با نظام‌الدین ازدواج می‌کند، خود شاعر است. این نقش‌ها و ارتباط‌ها به نفوذ ویشنوئیسم^۴ در دیدگاه دهلوی اشاره می‌کنند. در حالی که در سنت، عاشق، زن، و معشوق، مرد است. به عنوان مثال، می‌توان از بازی‌های معنوی «کریشنا» با چوپانان — زنان نام برد، که نماد کوشش روح برای وصل با خدا هستند. به این ترتیب، «ازدواج» نماد «اتصال» معنوی شاگرد و استاد، و عمیق‌تر از آن، نماد وصل روح و خدا است.

محتوای آزاد و استفاده از «ازدواج» به عنوان نماد معنوی، به اشعار صوفیانه هندی زبان امیرخسرو دهلوی (و به خصوص به اشعار «قوالی» او) احساس شادی و نشاط می‌بخشد. تباین آن‌ها با غزلیات عشقی - معنوی او چشم‌گیر است.

ویژگی آثار هندی زبان امیرخسرو (دوبیتی‌ها و سرودها)، آمیختن آن‌ها با تصاویر سنتی هندی (اردک نر و ماده که سمبل جدایی دو عاشق است، یا تصویر «تیلاک»، نشانه مخصوصی که طی مراسم تشریفاتی روی پیشانی می‌گذارند، سمبل مخصوص هندوئیسم) است.

در نتیجه تحقیق درباره ویژگی‌های معنایی و سبکی آثار امیرخسرو دهلوی توسط شرق‌شناس اوکراینی، «آناستاسیا کولیک»، اتصال نظم او با نظم سبک هندی روشن می‌شود. با این که از لحاظ زمانی امیرخسرو دهلوی عضو کهنکشان شاعران سبک عراقی در ادبیات فارسی (قرن‌های سیزدهم تا شانزدهم میلادی) است، بسیاری از محققان آثار او را به عنوان نمونه ابتدایی سبک هندی (قرن‌های شانزدهم تا هجدهم میلادی) به حساب می‌آورند. به نظر آن‌ها، نظم سخت و سرشار از آرایه‌های ادبی سبک هندی، شروع خود را در سبک «زینتی» قلم امیرخسرو دهلوی پیدا می‌کند. علاوه بر این، اختراع تئوری سبک جدید شاعری که تا حدی در رساله «اعجاز خسروی» و در پیشگفتار دیوان «قرائت الکمال» آمده است، به او منصوب

۴ - Mirza W. M. The Life and Works of Amir Khusrau / Wahid Mirza. - Delhi, 1974. - P. 217

می‌گردد.

از میان ویژگی‌های «سبک جدید» امیرخسرو، می‌توان از استفاده از «ایهام» و «خیال» نام برد، که بعداً بخش اصلی سبک هندی شده است. باید افزود که خود شاعر استفاده از این صنایع بدیعی را جزء رتبه‌های عالی مهارت شعری می‌دانست. نکات مذکور و همچنین استفاده از فن بدیعی «جناس»، انزوای ابیات از نظر معنی، استعارات زبان شعری، کاربرد تصاویر و تمثیلات سخت، آثار منظوم امیرخسرو را به غزلیات شاعران اواخر قرون وسطی نزدیک می‌کند. به عنوان مثال، بیت ذیر را بررسی می‌کنیم:

ماییم سرزده قلمی کز پی خطش نامه سیاه پیرهنی کاغذین به است

(دهلوی، همان: ۱۰۵)

تمام عاشقان معشوق معنوی (خدا) با ضمیر «ما» جمع بسته شده‌اند. شاعر آن‌ها را با نی قلم مقایسه می‌کند (تشبیه بلیغ اسنادی). کلمه «سرزده» به معنی «سر بُریده» است ولی دارای معنی «ناراحت» و «بیچاره» هم هست (ایهام). تصویر «پیرهن کاغذین» خواننده را به سنت دیرینه پارسی برمی‌گرداند؛ وقتی که شخص آسیب‌دیده می‌خواست نزد شاه شکایت ببرد تا او ظالم را تنبیه کند، پیرهنی کاغذی (درفش داد) را بر تن می‌کرد و روی آن موضوع را بیان می‌نمود. به این صورت، تصویر «پیرهن کاغذین» تمثیل درخواست برای تنبیه معشوق به خاطر انجام جرم نسبت به گنهکاران (نامه سیاه) است. طبق سنت، نگار معشوقان خود را آزار می‌دهد، و ما آن‌ها را با گنهکاران آسیب‌دیده مقایسه می‌کنیم.

به خاطر شکوه و جلوه «دُکوری» اشعار امیرخسرو دهلوی، محقق «یان ریپکا» سبک او را «باروکی» نامید؛ سبک هندی در ادبیات فارسی از لحاظ زینت باشکوه آن، اغلب با سبک باروک در سنت اروپایی مقایسه می‌شود.

امیرخسرو دهلوی به عنوان شاعری درباری، در سرودن قصاید مدحی مهارت زیادی نشان می‌داد، اما قصاید فلسفی و اخلاقی نیز می‌گفت که این‌ها با الزاماتی که در رسالات پارسی قرون وسطی آمده، به طور کلی مطابقت دارند: ساختار کلاسیک (تشبیه، تخلص، مدح، فخر)، سیستم سنتی قافیه‌گذاری، تعداد بیت از ۳۱ تا ۹۹ و غیره. رباعیات امیرخسرو دهلوی هم انواع موضوعات را فرا می‌گیرند: فلسفی، مذهبی، عشقی. ساختار آن‌ها نیز با اصول رسالت شعر فارسی هماهنگ هستند. (کاربرد «هزج».)

با آن که «خمسه» امیرخسرو دهلوی آثار نظامی را به عنوان الگو قرار داده است، (قالب و محتوای «خمسه» نظامی را تقلید کرده بود)، مثنوی امیرخسرو دارای روان‌شناسی عمیق‌تر و رومان‌تیسیم بیشتری در تصاویر قهرمانان است. در عین حال بُعد فلسفی و اجتماعی اشعار امیرخسرو دهلوی کم‌رنگ‌تر از آثار نظامی به شمار می‌رود. شاعر درباری ما یعنی امیرخسرو دهلوی، شاه خسرو و بهرام گور را به عنوان قهرمانان ایده‌آل توصیف می‌کند تا بر علاء‌الدین حیلجی (حامی علم و ادب) تأثیر بگذارد. در مثنوی «نه سپهر» بخش سوم توجه خواننده را جلب می‌کند. در آن بخش، امیرخسرو برتری هند بر کشورهای دیگر را توصیف می‌کند و اطلاعات خوبی راجع به زبان‌های هند دارد. بعد از مناظره راجع به برتری زبان‌های هند به این نتیجه می‌رسد که:

این است زبانی به صفت در دُرّی کم از عربی و برتر از دُرّ ذری^۹

که این بیت در ستایش زبان سانسکریت سروده شده است. امیرخسرو دهلوی زیبایی و نایابی کشور هند، موسیقی آن، گوناگونی زبان‌ها، طبیعت بی‌ظنیر و معماری غنی دهلی را بیان می‌کند که این نشانگر وطن‌پرستی شاعر است.

در قرن سیزدهم میلادی نوع جدید غزل، از ترکیب سنن درباری و صوفیانه به وجود آمد. محققان به این نتیجه رسیده‌اند که شکل‌گیری این نوع غزل در آثار امیرخسرو دهلوی صورت گرفت. امیرخسرو نوع جدید غزل را بر اساس سنت استادان قبلی (خاقانی، سعدی و...) اختراع می‌کند. این نوع در مرز غزل «تمیز»^۶ سعدی و غزل «معنوی» مولانا جایگاه خود را می‌یابد. امیرخسرو دهلوی به غزلیات باشکوه سعدی آنچه که کم داشت را (به قول پژوهشگر معروف «و. میرزا»: دیوانگی، شهوت، هوس و تمایلات جنسی) اضافه کرد. از لحاظ معنوی هم دو خط (عشقی و معنوی) در آثار او آشکار هستند و در اکثر اوقات آمیخته می‌شوند. این روند اتصال بُعد عشقی و معنوی در غزلیات حافظ (قرن پانزدهم میلادی) به اوج خود رسیده بود. موضوع طبیعت (مناظر و توصیف جشن نوروز)، که در اولین آثار^۷ شاعر دیده می‌شود، در کنار دیگر آثارش اهمیت خود را از دست می‌دهد و به صورت دکوری برای احساسات عاشق استفاده می‌شود.

در میان آثار امیرخسرو دهلوی اشعار دو زبانی (به فارسی و هندی) توجه محققان را به خود جلب کرده است. متأسفانه تنها غزلی که از این نوع غزل به دست ما رسیده، غزل «ز خال مشکین» است.

۶ - Брагинский И. С. Двенадцать миниатюр. От Рудаки до Джами / И. С. Брагинский. - [2-е изд.]. - М.: Художественная литература, 1976. - С. 208-

۷ - Туйчиева Г. У. Аруз в контексте газелей Амир Хосрова Дехлави / Гулькхумор Туйчиева. - Ташкент: Изд-во ТашГУ, 2005. - С. 115

نتیجه

آثار امیر خسرو دهلوی نمونه نظم کلاسیک خاورمیانه و آسیای صغیر است؛ زیرا یکی از اصول این نوع از نظم، توازی تصاویر و تقارن ساختار ادبیات و هنر کاربرد جناس و ایهام، باعث زینت کلام اوست و ضمناً در آثار او سبک تصویر صوفیانه عراقی و سبک زینتی هندی، با هم پیوند پیدا کرده اند و عناصر صوفیانه در بیشتر غزلیات او نقش زینتی دارند، نه معنایی. غزلیات امیر خسرو دهلوی تحت تأثیر صوفیسم که یکی از عوامل گسترش ادبیات کلاسیک فارسی است، سروده شده اند. با این وجود جا دارد که غزلیات امیر خسرو از بعد فلسفی و اجتماعی و صوفیانه مورد دقت و بررسی بیشتر قرار گیرند و در ترازوی نقد گذاشته شوند.

منابع و مأخذ

- ۱- دهلوی، امیر خسرو. دیوان کامل. تهران: به کوشش م. درویش، ۱۳۶۱.
- ۲- صفا، ذبیح‌الله. تاریخ ادبیات ایران. تهران: انتشارات فردوسی، ۱۳۷۱.
- 3- Mirza W. M. The Life and Works of Amir Khusrau / Wahid Mirza. – Delhi, 1974. – P. i.
- 4- Цитируется по: Mirza W. M. The Life and Works of Amir Khusrau / Wahid Mirza. – Delhi, 1974. – P. 217.
- 5- Цит. по: Mirza W. M. The Life and Works of Amir Khusrau / Wahid Mirza. – Delhi, 1974..
- 6 — Брагинский И. С. Двенадцать миниатюр. От Рудаки до Джами / И. С. Брагинский. – [2-е изд.]. – М.: Художественная литература, 1976..
- 7 — Туйчиева Г. У. Аруз в контексте газелей Амира Хосрова Дехлави / Гулькхумор Туйчиева. – Ташкент: Изд-во ТашГУ, 2005.